

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبانشناسی
گروه فرهنگ و زبانهای باستانی ایران

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی ایران

تجزیه و تحلیل متن اوستایی فرگرد ۲۱ و نندیداد و مقایسه
با زند آن

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی راشد محصل

استاد مشاور:

دکتر مهشید میرفخرایی

پژوهشگر:

نیما سجادی

شهریور ماه ۱۳۹۰

چکیده

- این پایان نامه بررسی متن اوستایی و زند فرگرد بیست و یکم وندیداد است که شامل بخش های زیر است:
۱. مقدمه در معرفی تقسیم بندی های کتاب اوستا، بویژه وندیداد و پیشینه پژوهش درباره فرگرد بیست و یکم است.
 ۲. فصل یکم، شامل حرف نویسی متن اوستایی، یادداشت های حرف نویسی و ترجمه فارسی است.
 ۳. فصل دوم، شامل آوا نویسی متن زند، یادداشت های زند و ترجمه فارسی است.
 ۴. فصل سوم، شامل یادداشت های ترجمه فارسی است.
 ۵. فصل چهارم، به واژه نامه اوستایی اختصاص دارد که شامل تجزیه و تحلیل دستوری واژه های اوستایی و معادل زند آنها است.
 ۶. فصل پنجم، نمایه واژه های زند – اوستا
 ۷. کتابنامه فارسی و لاتین

فهرست مطالب

ب	مقدمه:
	فصل یکم:
۲	۱-۱. حرف نویسی متن اوستایی
۵	۱-۲. یادداشت های متن اوستایی
۶	۱-۳. ترجمه متن اوستایی
	فصل دوم:
۱۰	۲-۱. آوانویسی متن زند
۱۳	۲-۲. یادداشت های آوانویسی زند
۱۴	۲-۳. ترجمه متن زند
	فصل سوم:
۱۸	یادداشت ها
	فصل چهارم:
۲۹	واژه نامه اوستایی
	فصل پنجم:
۷۴	نمایه زند
۸۴	کتاب نامه:

مقدمه

کتاب اوستا و تقسیم بندی های آن

اوستای ساسانی برابر ۲۱ واژه نماز یثا اهو وئیریو به ۲۱ نسک و این ۲۱ نسک به ۳ گروه گاهانینگ، هاتک مانثریگ و داتیگ تقسیم شده بود که هر گروه شامل ۷ نسک بود. وندیداد، نسک نوزدهم اوستا و نسک پنجم از گروه نسک های داتیگ بود و تنها نسک از اوستای ساسانی است که امروزه کامل به دست ما رسیده است. وندیداد دارای ۲۲ فصل است و شامل ۲۳۰۰۰ واژه اوستایی و زند آن شامل ۴۸۰۰۰ واژه پهلوی است (مشکور، ۱۳۲۵، ص. ۹۵). علاوه بر ترجمه زند وندیداد تفسیری از وندیداد پهلوی در دست است که تقریباً شامل ۲۷۰۰۰ واژه است و آن فصول معدودی از ۶ فرگرد زند وندیداد را بنابر عقیده هفده تن از مفسرین که نام آنان در کتاب های پهلوی در زمره مفسرین اوستا آمده است، شرح و تفسیر می نماید (مشکور، ۱۳۲۵، صص. ۹۹-۱۰۰). وندیداد که صورت قدیم تر آن ویدیوداد است از صورت اوستایی *vi.daēva.dāta* آمده به معنی "قانون جدا از دیو" است. دیو در اصل به معنی خدا بوده، یعنی آن دسته از خدایان هند و اروپایی که زردشت آن ها را مطرود دانسته است. زردشت بود که دیو را در معنی خدای مطرود و شیطان به کار برد، این نسک را که درباره آیین پاکی و طهارت و دوری از پلیدی دیوان است، به این نام خواندند. وندیداد مجموع قوانین طهارتی و گناهان و جرایم و تاوان آن ها است که به صورت سوال و جواب تدوین شده است. فصل اول و دوم آن ارتباطی با طهارت یا جرایم و گناهان ندارد. فصل اول درباره سرزمین های گوناگونی است که اهورامزدا آفریده و آفت هایی که اهریمن در آن ها به وجود آورده است و فصل

دوّم داستان جمشید و سرمایی است که در جهان اتفاق افتاده و قلعه ای که جمشید برای حفظ آفریدگان اورمزد ساخته است. داستانی که در فرگرد نوزدهم آمده و در ضمن آن، شرح کوشش اهریمن برای فریب زردشت ذکر شده، نیز هماهنگی با مطالب اصلی وندیداد ندارد. از نظر دستور زبان، متن وندیداد غالباً تحریف شده است و با مقایسه با یشت ها صورت ها دستوری آن نادرست است. پایانه های اسمی و شناسه های فعلی غالباً نابجا به کار رفته است. مؤلفان وندیداد به وفور صورت های دستوری و جمله هایی را از قسمتی از کتاب به قسمت دیگر آن نقل و تکرار کرده اند یا واژه ها و عبارت ها را به تقلید از بخش های دیگر اوستا ساخته و به متن منتقل کرده اند. مثلاً کلمه ای که در جمله ای به حالت فاعلی آمده عیناً در جای دیگر به همان شکل نقل می شود، در حالیکه از نظر نحوی آن کلمه بایستی مثلاً حالت رایی یا اضافی داشته باشد. تالیف وندیداد را به دوره پس از هخامنشیان نسبت می دهند، گر چه مطالب آن بسیار کهنه تر از این زمان و حتی کهنه تر از زمان زردشت است. احتمالاً مغان غرب ایران که علاقه مندی خاصی به امور طهارت داشته اند، پس از گرویدن به آیین زردشت، در تدوین این بخش اوستا نقش عمده ای داشته اند. (تفضّلی، ۱۳۷۶، صص. ۶۰ - ۶۲). از آنجا که ایرانوبج یا خوارزم که وطن اصلی اشکانیان بوده در فرگرد اوّل وندیداد در ابتدای سرزمین های دیگر قرار گرفته، به نظر آندراس، فرگرد اوّل باید در زمان مهرداد اوّل (۱۷۱ - ۱۳۶ پ. م.) نوشته شده باشد (پورداوود، ۱۳۵۵ ب، ج. ۱، ص. ۴۲، یادداشت ۲). دیاکونوف نیز، چون لفظ باختر فقط یک بار در اوستا و آن هم در فرگرد اوّل وندیداد به کار رفته، تاریخ نگارش فرگرد مذکور را آغاز پادشاهی

پارت ها می داند و کشور هایی که در آن نام برده شده ظاهرا همان نواحی کشور پارت است (دیاکونوف، ۱۳۷۱، ص. ۵۴).

فرگرد ۲۱

خلاصه ای از وندیداد در فصل ۴۴ دینکرد هشتم آمده و درباره فرگرد ۲۱ وندیداد که این پایان

نامه به بررسی آن اختصاص دارد، در بند ۸۱ آن چنین آمده:

āgāhīh ī abar ān ī nērang ān-iš pad bundahišn stahmagīh ī druz pad-iš be-
kāstan wuzurg nērōgīh ī ērmān xwāhišnīh ud ahunawar ud any gāhānīg
abestāg pad abāz dāštan ī dēwān az drōzēnīdan ī gēhān ī ahlāyīh (Sanjana,
1917, p. 103; Madan, 1911, p. 784, lines 11-14).

آگاهی درباره نیرنگی که سهمگینی دروج در بندهش (= آغاز) به وسیله آن کاسته شد (و) نیروی بزرگ

ائیریمن خواستاری <اشاره به بند ۲۰ فرگرد ۲۱> و اهنور <اشاره به بند ۲۲> و دیگر اوستای گاهانی

<اشاره به بند ۲۳ که از اوستای گاهانی گرفته شده> برای بازداشتن دیوان از فریفتن گیهان پارسایی

<اشاره به بند های ۱۸ تا ۲۳> (نیز ← West, 1892, p.165, n. 8; p. 166, n. 2). در بند های

۲ - ۳ آنها مانند گیهان درمان بخش دانسته شده اند. بند های ۱ - ۴ درباره بارندگی و بارش باران

است به همین دلیل بندهای ۱ - ۴ این فرگرد در کنار دیگر متن های پهلوی و اوستایی که درباره باران

است یکجا در دستنویس MU29 کنار هم قرار گرفته اند (مزداپور، ۱۳۷۸، صص. ۳۷۱ - ۳۷۳). بخش

بیشتر این فرگرد درباره محافظت از زنان باردار (بند های ۶ - ۷؛ ۱۰ - ۱۱؛ ۱۴ - ۱۵) است که در پناه

اردویسور اناهیتا ایزد بانوی آب هستند (بند ۶). این موضوع ۳ بار تکرار شده که بار اول خورشید، بار

دوم ماه و بار سوم ستارگان نیایش شده است (Darmesteter, 1960, p.281).

روش پژوهش

ابتدا متن اوستایی بر اساس متن گلدنر و به روش هوفمان (هوفمان، ۱۳۶۹، ص. ۱۹۹) حرف نویسی و متن زند آن نیز بر اساس متن دستور هوشنگ جاماسپ (← کتابنامه ذیل Jamasp, 1907) به روش مکنزی آوانویسی و ترجمه شدند. واژه نامهٔ بسامدی اوستایی شامل تجزیه و تحلیل دستوری واژه های اوستایی و معادل زند آن ها تنظیم شد. واژه ها به ترتیب معمول در متن های اوستایی و بر اساس روشی است که بارتلمه در کتاب خود آورده است، اما ریشهٔ فعل ها به صورت ضعیف آورده شد و اگر ریشه فعل در فارسی باقی مانده است، فعل فارسی از کتاب ماده های فعل های فارسی دری دکتر محسن ابوالقاسمی نیز نقل شد. و در موارد واژه های دشوار نظر دانشمندان دیگر مانند دارمستتر و کلنز نیز نقل گردید. موارد دشوار متن در یادداشت ها شرح داده شده است. در پایان، نمایهٔ واژه های زند - اوستا نیز افزوده شد.

پیشینه پژوهش به فارسی

این فرگرد ترجمهٔ مستقلاً به فارسی ندارد و فقط در ترجمه های فارسی ونیدیداد است که می توان برگردان فارسی آن را دید. این ترجمه ها به ترتیب عبارتند از:

داعی الاسلام، محمد علی، ۱۳۲۷: *وندیداد*، حیدر آباد دکن

جوان، موسی، ۱۳۴۲: *مجموعه قوانین زرتشت یا وندیداد اوستا به قلم جیمس دارمستتر*، تهران

دوستخواه، جلیل، ۱۳۷۰: *اوستا*، ج. ۲، تهران

رضی، هاشم، ۱۳۷۶: *وندیداد*، ج. ۴، تهران

مزداپور، کتایون، ۱۳۷۸: *داستان گرشاسپ، تهمورس و جمشید گلشاه و متن های دیگر*، تهران

صص. ۳۷۱ - ۳۷۳ (این کتاب فقط بندهای ۱ تا ۴ را در بر دارد.)

پیشینه پژوهش به زبانهای اروپایی بر اساس متن اوستایی

Darmesteter, J., 1887: *The sacred books of the east*, vol. 4, The Zend

Avesta, Part 1, Oxford

Darmesteter, J., 1893: *Le Zend-Avesta*, vol. 2, Paris

Wolff, F., 1910: *Die heiligen Bücher der Parsen*, Strassburg

پیشینه پژوهش به زبانهای اروپایی بر اساس متن زند

Anklesaria, B., 1949: *Pahlavi Vendidad*, Bombay

کوتاه نوشت ها:

ا. ... اسم

ح. ا. ... حرف اضافه

س. ... ستاک

ص. ... صفت

ص. م. ... صفت مفعولی

ف. ... فعل

ق. ... قید

← ... نگاه کنید به.

B. ... ← کتابنامه ذیل 1904 Bartholomae,

..ZA. ← کتابنامه ذیل 1960 Darmesteter,

فصل یکم

۱-۱ - حرف نویسی متن اوستایی

۱-۲ - یادداشت های متن اوستایی

۱-۳ - ترجمه متن اوستایی

1. nəmasə tē gaospənta nəmasə tē gaoš hudā nəmasə tē frāḍəntə nəmasə tē varəḍəntə nəmasə tē dāḍrō baxtəm vahištāi ašaone anazaḍāi ašaone yā jahi mərəṇcaite ašəmaoγō anašauua mašiiasca druuā sāsta.
2. yaiiata dunma yaiiata frā āpəm niiāpəm upa āpəm hazaṇrō.vāriiō baēuuarə.vārasciṭ mruuiā ašāum zaraḍuštra yaskahe apanaštahe mahrkahe apanaštahe jaini.yaskahe apanaštahe jaini.mahrkahe apanaštahe gaḍahe apa.gaḍahe apanaštahe.
3. yezi uzīrō.huua mərəṇcaite arəzahuuā bišaziiāṭ yezi arəzahuuā mərəṇcaite xšapō.huua bišaziiāṭ yezi xšapō.huua mərəṇcaite ušahuua bišaziiāṭ vī.vārəṇti vī.vārāhu nauua āfš nauua zā nauua uruuarā nauua baēšazā nauuata baēšazakəša.
4. yaḍa zriiō vourukašəm apō asti haṇjaγmanəm usihišta ḥəm.yaētāṇhō yaonəmca auui zəmca zəmca auui yaonəmca usihišta pāiri.haēzaṇuha yehe¹ zaḍaēca vaxšaēca yaonəm daḍāṭ ahurō mazdā.
5. uzaiiara uzīra huuarəxšaēta auruuat.aspa tarasca harəm bərəzaitīm raoxšnəm kərənauuāhi dāmahuua təmciṭ uzīra. yezi ahi garō dərətəm. mazdaḍātəm paiti paṇtəm bayō.baxtəm paiti yaonəm. fraḍβarštəm paiti āfəntəm.
6. [āaṭ ana parō duš.kərəta] āaṭ ana parō maḍrō spəntō frā.tē zaḍəmca vaxšaḍəmca azəm iḍa frasnaieni frā.tē kəhrpəmca təuuīšimca yaoždaḍāni kərənaomi ḍβəm hacat.puḍraṇ hacat.paēmaniiəm.
7. kārauuaiti paēmauuaiti xšuuiptauuaiti raoγnauuaiti mazgauuaiti frazaiṇtiuuaiti frā.tē hazaṇrəm xəm azəm iḍa frasnaieni gaodanəm auui haṇtacinā yaṭ asti puḍrahe ḍrimō.

8. yaṭṭa zraiiō² ... yehe¹ zaṭṭaēca vaxšaēca zaṃ daḍāṭ ahurō mazdā.

9. uzaiiara uzīra maṅha gaociṭra³ ... paiti āfəṇtəm.

۱۰. ← بند ۶.

۱۱. ← بند ۷.

12. yaṭṭa zraiiō² ... yehe¹ zaṭṭaēca vaxšaēca vaxšəm daḍāṭ ahurō mazdā.

13. uzaiiara uzīra stāra gufra afšciṭraṅhō³ ... paiti. āfəṇtəm.

۱۴. ← بند ۶.

۱۵. ← بند ۷.

16. yaṭṭa zraiiō² ... yehe¹ zaṭṭaēca vaxšaēca uzaiiarəm daḍāṭ ahurō mazdā.

17. uzaiiara uzīra paxrušta hī kaxuži paxrušta hī aiiehiie paxrušta hī yātumaiti jahi.

18. paiti.pərəne ašire paiti.pərəne aγūire paiti.pərəne aγraṃ paiti.pərəne uγraṃ paiti.pərəne yaskahe paiti.pərəne mahrkahe paiti.pərəne dāžu paiti.pərəne tafnu paiti.pərəne sāranahe paiti.pərəne sārastiehe paiti.pərəne ažanahe paiti.pərəne ažahuuahe paiti.pərəne kuruγahe paiti.pərəne ažiuuākahe paiti.pərəne drukahe paiti.pərəne astairiehe paiti.pərəne aγašiiā pūitiiā āhitiiā yā aṅrō.mainiiuš frākəṇṭaṭ auui imāṃ tanūm yaṃ mašiiānaṃ.

19. paiti.pərəne vīspəm yaskəmca mahrkəmca vīspe yātauuō pairikāsca vīspā janiio yā druuitiš.

20. ā airiiēmā išiiō rafəḍrāi jaṇtū nərəbiiasca nāiribiiasca zaraṭuštrahe vaṅhəuš rafəḍrāi manəṅhō yā daēnā vairīm hanāṭ mīždəm ašahiiā yāsā ašim yaṃ išiiāṃ ahurō masatā mazdā.

21. jaṅtu ā airiīṃā.iṣīiō vīspəm yaskəmca mahrkəmca vīspe yātauuō
pairikāśca vīspā janiīō yā druūaitīṣ.

22. ← یادداشت ها در اینجا نماز یثا اهو قرار دارد.

23. ← یادداشت ها

۱-۲ - یادداشت های متن اوستایی

۱. متن: yehe ، در نسخه بدل گونه دیگر آن yenhe آمده است.

۲. مانند بند ۴.

۳. مانند بند ۵.

۱ - ۳ - ترجمه متن اوستایی

۱. نماز به تو، ای گوسپند، نماز به تو ای گاو نیک آفریده، نماز به تو ای فزونی دهنده (که فزونی دهنده ای)، نماز به تو ای رشد دهنده، نماز به تو که سهم را به بهترین پرهیزگار می دهی، به پرهیزگار نازاده که نابود می شود به وسیله او جهی، بدعت گذار ناپرهیزگار و مرد دروند ستمکار.
۲. روان شد ابر، روان شد آب به فراز، آب به فرود، و آب را هزار باران و بیور باران همراه (بود)، باشد که بگویی ای زردشت پرهیزگار (این سرود را) برای نابودی بیماری برای نابودی مرگ، و نابود شدن و زده شدن بیماری و برای ناپدید شدن و زده شدن بیماری میراننده، و برای ناپدید شدن و زده شدن مرگ میراننده و ناپدید شدن و ناپدید شدن ایه گذ.
۳. اگر در بعد از ظهر نابود کند، در ارزه (= شام) درمان کند (یعنی بیماری چنین کند، باران اینگونه درمان کند). اگر در شام نابود کند در شب درمان کند. اگر در شب نابود کند در سپیده دم درمان کند. هنگام بارش باران آب نو، زمین نو گیاه نو درمان نو درمانگری نو <پدید آید>.
۴. چون دریای و روکش جایگاه گرد آمدن آنها است، بر ایست هم نیرو شو به راه <ایزدی>، به سوی زمین، از زمین آب را فراز بر، به پیرامون روان کن، کش در زایش و در رویش (= برای زایش و برای رویش)، راهی را که آفریده است، اورمزد.
۵. برخیز، طلوع کن. ای خورشید تیز اسب، از فراز کوه البرز، در میان آفریدگان روشن کنی. و تو همچنین برخیز اگر نگهدارنده گرودمان مزدا آفریده هستی <بیا> به راه بغ آفریده، به راه پر آب ساخته شده.

۶. آنگاه کلام مقدس (= مانتر اسپند) پیش از آنکه بد کردار <برسد> زایش و رویش را برای تو <خواهد آورد> - من اینجا پاک می شوم. کالبد تو را و نیرو را تطهیر می کنم. و تو را دارای فرزند دختر و دارای شیر بسیار می کنم.

۷. ای فعال (آدمی) ای شیر دار، ای <گوسپند> شیردار، ای روغن دار و ای مغز دار، ای فرزند دار، اینجا به سوی تو هزار چشمه من پاک کنم، شیردان را پاک کنم که برای پرورش فرزند <است>. ۸. چون دریای وروکش ... کش در زایش و در رویش، زمین را اورمزد آفریده است.

۹. برخیز، طلوع کن. ای ماه گاو تخمه، از فراز کوه البرز...

۱۰. ← بند ۶.

۱۱. ← بند ۷.

۱۲. چون دریای وروکش ... کش در زایش و در رویش، بالش و رویش را اورمزد بیافریده است.

۱۳. برخیز، طلوع کن. ای ستارگان ژرف آب تخمه، از فراز کوه البرز....

۱۴. ← بند ۶.

۱۵. ← بند ۷.

۱۶. چون دریای وروکش ... کش در زایش و در رویش، طلوع را اورمزد آفریده است.

۱۷. به در آی، طلوع کن، به دور ران خروش کنخوژی را. به دور ران خروش ایپیه را - آن جادوگر

جهی را.

۱۸. می ستیزم ایشیر را. می ستیزم اغوئیری را. می ستیزم اغرا را. می ستیزم اوغر را. می ستیزم درد را.
می ستیزم مرگ را. می ستیزم داژو را. برای ایستادگی در برابر تب. برای ایستادگی در برابر سارنه. برای
ایستادگی در برابر سارستیه. برای ایستادگی در برابر اژنه. برای ایستادگی در برابر اژهو. برای ایستادگی
در برابر کوروغه. برای ایستادگی در برابر اژی واکه. برای ایستادگی در برابر دوروکه. برای ایستادگی در
برابر استه ئیریه. برای ایستادگی در برابر چشم زخم و پوسیدگی و فساد، ناپاکی و پلیدی که انگرمنینو
بیافرید آنها را برای تن مردمان.

۱۹. می ستیزم همه نوع بیماری و مرگ را. همه جادوگران . پریان و همه زنان دروند را.

۲۰. باشد که ائیرمن ایشیو، برای یاری مردان و زنان زرتشت بیاید، برای یاری اندیشه نیک، <و>
بیش. چه کسی شایسته مزد خواستنی خواهد بود؟ پاداش خواستنی راستی را که اهورامزدا تقسیم
خواهد کرد، درخواست می کنم.

۲۱. بر اندازد، ائیرمن خواستنی، همه [نوع] بیماری و مرگ را. همه جادوگران و پریان را و همه زنان
دروند را.

۲۲. در اینجا نماز یتا اهو قرار دارد. ← یادداشت ها.

۲۳. ← یادداشت ها.

فصل دوّم

۲ - ۱ - آوانویسی متن زند

۲ - ۲ - یادداشت های آوانویسی زند

۲ - ۳ - ترجمه متن زند

wīst-ēkom fragard bun

1. namāz ō tō gāw ī abzōnīg (kū-t abzōnīg was aziš). namāz ō tō gāw ī hudahāg (kū pad frārōnīh būd ēstēd). namāz ō tō freh dahišnīh (hē) (kū-t wēš be-kunē). namāz ō tō wālišn dahišnīh (hē) (kū-t frabīhtar be-kunē). namāz ō tō (kē) pad dāsr be-baxt (ēstēh) (pad sēnag-masāy ud bāzā-masāy) ō (ōy) pahlom ahlaw (ōy-z) a-zādag ahlaw kē-t jeh murnjēnēd¹ ašmōy an-ahlaw (ay daxšagīh gōwēd) mardōm-iz druwand sāstār.
2. rawēd² abr pad rawišnīh frāz āb (kū ul) nigūn³ āb (kū be-wārēnēd. abar āb (ān mihrag) hazār wārān (ka sreškīh ōftēd ud ē-hazār-iz ōftēd) bēwar wārān-iz gōwēm ahlaw zardušt. yask be-šawišnīh rāy marg be-šawišnīh rāy. zanēd yask pad be-šawišnīh zanēd marg pad be-šawišnīh. ān gada abāg gada be-šawišnīh (abzār-ī awēšān).
3. agar pad uzēr murnjēnēd pad abēzag wardišnīh bēšāzēnēd. agar pad abēzag wardišnīh murnjēnēd pad šab bēšāzēnēd. agar pad šab murnjēnēd pad ōš bēšāzēnēd. (ka) be-wārēd (ēdōn čiyōn guft) bē az (ān) wārān (ay čiš-ē bawēd ō pēš gōwēm). nōg āb nōg zamīg nōg urwar nōg bēšāzišnīh nōg bēšāzišnīh kardārīh (abzār ī ōy).
4. čiyōn pad zrēh frāxkard ābān ast ham rasišnīh (ay čē čiš ēdōn). ul ēst ham āyōz abar ō zamīg (ay čiyōn ka az gyāg ī ē widest hānd) zamīg-iz abar āyōz (kū pad zamīg abāz ma ēstēd). ul ēst parrōn awāz⁴ (ay rāh guft būd kū ō ān rōn šaw). (kē) pad ān ī ō zāyišn (ka be-zād) ud waxšišn (ka meh be-būd) (ā-š) āyōz dād ohrmazd (āyōzišn ō kār ī dādēstān).